

مراکز علمی مسلمانان در اسپانیای اموی

مریم شهری، فوق لیسانس تاریخ - شیراز



اشاره

ورود مسلمانان به اسپانیا و حکومتشان در این کشور، یکی از دوره‌های پر عظمت حکومت آن‌هاست. فتوحات مسلمانان در اسپانیا طی سال‌های ۷۱۱ تا ۷۱۶ م، در نظر ساکنان این سرزمین در حکم صاعقه‌هایی بودند که از آسمان فرود آمدند. در صورتی که فتح اسپانیا از نظر اعراب، مرحله‌ای بود از جریان طولانی توسعه سرزمین‌های عربی.^۱ در مورد وضعیت مردم اسپانیا در زمان حمله مسلمانان نوشته شده است، مردم به صورت بندگان حلقه به گوشی بودند که هر حاکمی بر آن‌ها مسلط می‌شد، به سلطه او تن می‌دادند.^۲ مسلمانان عرب و بربرهای شمال آفریقا، با فرماندهی سردار موسی بن نصیر، طارق بن زیاد که خود از قوم بربر بود، از تنگه میان مراکش و اسپانیا که امروز

به نام اوست، گذشتند. به زودی موسی بن نصیر نیز با سپاهی فراوان به راه افتاد و اندلس، فتح شد و حکومت آن جا به عبدالعزیز، پسر موسی رسید. از حکومت عبدالعزیز تا حکومت امویان اندلس، چندین تن براندلس فرمان راندند.^۳ اما زمانی که امویان در حال سقوط بودند، جوانی از ایشان به نام عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک گریخت و به اندلس رفت و با نام عبدالرحمان اول قرطبه را به پایتختی برگزید.^۴ دوران حکومت او و جانشینانش، یکی از بزرگ‌ترین دوره‌های رشد تمدن اسلامی است. یکی از مشخصه‌های مهم این دوره، تعدد مراکز علمی مسلمانان در اسپانیا است که بدان خواهیم پرداخت.

مدرسه‌های اسپانیای اسلامی

پیش از شروع بیان چگونگی وضعیت مدرسه‌های اسلامی اسپانیا، باید به این سخن دوزی، مورخ مشهور هلندی استاد کنیم که گفته است: «در آن زمان، تقریباً همه در اسپانیا سواد خواندن و نوشتن را داشتند. و باید به خاطر داشته باشیم که مقارن همان زمان، اروپا در ظلمات جهل فرو رفته بود و تازه مقدمات علم و فرهنگ در پاره‌ای از نقاط آن متداول شده بود؛ ولی نه برای همه، بلکه برای عده‌ای از روحانیون و کشیشان»^۵

«اعراب اسپانیا بر عکس معاصران شرقی خود، تسلطی بر تعلیم و تربیت خارج از مساجد نداشتند. بنابراین، امور مربوط به تعلیم و تربیت را در مساجد انجام می‌دادند. مقری مورخ مشهور اسپانیا می‌گوید: مردم اندلس، مدرسه‌های مستقلی نداشتند که بتوانند در کسب دانش آنان را یاری نمایند. آنان با پرداخت اجرت، شاخه‌های علوم را در مساجد یاد می‌گیرند.»^۶

علت وجود نداشتن مدرسه‌های مستقل در اسپانیا را عبدالرحیم غنیمه چنین می‌نویسد: «نخستین مدرسه در اندلس، به سال ۷۵۰ هجری در زمان یوسف اول از شاهان بنی‌احمر به تقلید از مدرسه‌های مغرب در غرناطه تأسیس گردید. و پس از پایان یافتن دولت مروانی حاکم بر این دیار و حکومت‌های ملوک الطوائفی بعدی در این سرزمین، هیچ‌گاه روی استقرار به خود ندید.»^۷

اگرچه عبدالرحیم غنیمه علت وجود نداشتن مدرسه‌های مستقل در اندلس را به وجود ناآرامی‌های آن‌جا می‌داند، ولی به استناد نوشته‌های مورخان غربی و شرقی می‌توان اثبات کرد که در دوران اموی، مدرسه‌هایی مستقل از مساجد در اسپانیا وجود داشتند. بعدها به علت از هم پاشیدگی سیاسی و اجتماعی، مدرسه‌های اسپانیا خصوصی یا در مساجد تشکیل شدند.

«امیرعلی نویسنده تاریخ اسلام می‌نویسد: ۱۷ مدرسه بزرگ و ۱۲ مدرسه کوچک در قرطبه وجود داشته است. همچنین درباره حکم دوم نوشته‌اند که در قرطبه ۲۷ دبستان برای اطفال، فقرا و مردم بی‌بضاعت تأسیس نمود و کتاب هم به آن‌ها داده می‌شود. شهریه در مدرسه‌های ابتدایی برخلاف مدرسه‌های قلمرو شرق اجباری بود و شمار زیادی از دختران و پسران می‌توانستند به آن‌ها راه یابند.»^۸

ماک کاپ نویسنده آمریکایی در مورد مدرسه‌های اسلامی اسپانیا به این نکته جالبی اشاره می‌کند که: «نزدیک هر مسجدی، دبستان یا دبیرستانی را ایجاد کرده بودند که مردم از طبقات گوناگون در آن‌ها به دانشجویی روزگار می‌گذرانیدند و حتی گاهی چنین اتفاق افتاده که مردم با بضاعت نیز خانه‌های خود را تقدیم کرده‌اند تا دبیرستانی در آن‌جا دایر شود.»^۹

اگر به این سخن مقری که سه هزار ده در طراف شهر قرطبه، همه مسجد داشته‌اند توجه کنیم، به کثرت مدرسه‌های اسلامی که در این مساجد برپا بوده‌اند، پی می‌بریم. در واقع مدرسه‌های

اسپانیای اسلامی را باید به دودسته تقسیم کنیم: اول، مدرسه‌های دولتی یعنی همان مدرسه‌های مستقل؛ مثل آنچه حکم دوم ساخته بود. دوم، مدرسه‌های وابسته مساجد. بعد از سقوط دولت اموی، به احتمال قوی مدرسه‌های مستقل از بین رفته‌اند، اما مدرسه‌های وابسته به مساجد همچنان وجود داشته‌اند.

دانشگاه‌های اسلامی اسپانیا

آنچه در مورد تقسیم‌بندی مدرسه‌های اسلامی اسپانیا بیان شد، در مورد دانشگاه‌های اسپانیای اسلامی هم صدق می‌کند. در توضیح مسجد جامع اعظم قرطبه این مطلب آمده است که این جامع را عبدالرحمن داخل، بنیانگذار دولت اموی اندلس، به سال ۱۷۰ هجری بنا نهاد که یک دانشگاه عمومی شد و عصر حکومت امویان اندلس، از درخشان‌ترین ایام این دانشگاه بوده است.

در این مرکز و زیر نظر خلفا و امرای اموی، مطالعات و تحقیقات علمی رونق گرفت. این فعالیت‌های علمی تا آن‌جا پیشرفت کرد که جامع اعظم قرطبه، از بزرگ‌ترین پایگاه‌های فکری اسلامی در اندلس و به منزله یکی از مراکز علمی سراسر دنیای آن روزگار درآمد.^{۱۰}

حکم دوم چنین مکانی را وسعت داد و برای تدریس در این دانشگاه، از شرق و غرب استادان را فرا خواند و موقوفاتی برای پرداخت مقرری ایشان معین کرد. از جمله این استادان، ابن قوطیه مورخ بود که نحو تدریس می‌کرد و ابوعلی قالی، دانشمند و لغت‌دان معروف بغدادی بود.^{۱۱}

از جمله دانشگاه‌های مستقل اسپانیا نیز که بعد از امویان تأسیس شد، دانشگاه یوسف الحجاج، شاه هفتم «بنی نصیریان» بود که بر مدخل آن مسجدهایی از شیر نهاده بودند. برنامه درسی آنان اصول دین، شیمی و فلک‌شناسی بود.^{۱۲}

در انتخاب ریاست دانشگاه‌ها، میان مسلمانان و غیرمسلمانان فرقی نبود، و گاهی دانشمندان یهودی و مسیحی به این سمت تعیین می‌شدند. در دانشگاه‌های عربی اسپانیا معمول بود، جشن‌هایی را در سال می‌گرفتند که عموم مردم در آن‌ها شرکت می‌کردند. در این مجالس، دانشمندان مبرز خطابه‌ها ایراد می‌کردند و یا شعر می‌خواندند. در بالای سر در هر دانشگاه نوشته شده بود: اساس عالم چهار چیز است، دانش دانشمندان، دادخواهی بزرگان، دعای نیکان و مردانگی دلاوران.^{۱۳}

«روابط دانشگاه‌های اسلامی اسپانیا با اروپا از سه راه زیر بوده است:

۱. استفاده از کتاب‌های اسلامی و ترجمه آن‌ها،
 ۲. استفاده از تحقیقات اسلامی در ایجاد نظام آموزش،
 ۳. تحصیل دانشجویان اروپایی در دانشگاه‌های اسلامی،
- به‌خصوص در اسپانیا در شهرهای قرطبه، غرناطه. در واقع این علوم

ایرانی و عرب بود که پایه نخستین دانشگاه‌های بزرگ اروپا گردید.^{۱۴}

کتابخانه‌های اسلامی اسپانیا

در اسپانیای اسلامی دو نوع کتابخانه وجود داشته است:

۱. کتابخانه‌های مساجد؛ مثل کتابخانه‌ای که در مسجد جامع قرطبه قرار دارد.

۲. کتابخانه‌های فردی؛ بیش‌تر فرمانروایان اندلس از علاقه‌مندان علم و فرهنگ بودند و اهتمام بلیغی در نشر علم و معرفت داشتند و بر این اساس کتابخانه‌های متعددی در کاخ و قصرهای خود تشکیل می‌دادند. از جمله این کتابخانه‌ها، کتابخانه عبدالرحمن اوسط است که کتابخانه مفصلی بود.

ا و

نماینده‌ای

به نام

عباس ناجح را به

شرق اعزام کرد تا کتاب

بخرد و در صورت عدم امکان

خرید، از روی آن‌ها نسخه برداری

کند.^{۱۵}

کتابخانه سلطنتی محمد اول کتابخانه‌ای

بود که بعدها عبدالرحمن سوم به وسعت آن افزود.

عبدالرحمن سوم دوستدار علم و فضیلت بود. وی در

کاخ اختصاصی خود کتابخانه‌ای ترتیب داده بود که به هر

زبانی کتاب داشت. امپراتور قسطنطنیه برخی از کتاب‌های طبی

را فرستاد تا ترجمه کنند و در کتابخانه او قرار دهند.

از بین خلفای اموی اندلس، حکم دوم در انتشار دانش و نفوذ

فضائل در توده مردم کوشش کرد. حکم دوم و برادرش عبدالله،

کتابخانه بزرگی از خود داشتند و در ۵۰ سال حکومت پدرشان، پول

زیادی به مصرف کتاب رساندند. نخستین کتابخانه عمومی در اندلس

را حکم په وجود آورد. در دوران خلافت او کتاب‌های فلسفی شرق

به غرب منتقل شدند.^{۱۶}

حکم را به مأمون تشبیه کرده‌اند؛ از آن جهت که دانشمندان را

گرامی داشته، از اطراف جهان کتاب می‌خریده و به اندلس می‌آورده

است. او برای این کار تاجران مخصوص استخدام کرده بود و همه

نوع اعتبار به آن‌ها می‌داد. در واقع حکم، اندلس را به یک بازار

بزرگ کتاب تبدیل کرده بود، به طوری که علم و ادب از هر ناحیه‌ای

به آن وارد می‌شد.

کارکنان بسیاری از زن و مرد و جمیع طبقات،

سرگرم کار در این کتابخانه بوده‌اند. رئیس کتابخانه

حکم، یکی از خواجگان بود به نام تالر و سردبیر

آن‌جا زنی بود موسوم به لینه. و فاطمه زن

دیگری بود که در لطافت نگارش و نیز

مسافرت‌های علمی به اطراف

جهان به منظور گردآوردن

کتاب کمیاب برای

کتابخانه خلیفه،

شهرتی

به سزا



داشت.

گویند،

تنها، فهرست

دیوان اشعار آن ۴۴

فهرست بود. هر فهرست

۲۰ برگ داشته است و به این

حساب ۴۴ هزار دیوان شعر در آن

کتابخانه بوده است.^{۱۷}

حکم هزار دینار طلای خالص نزد ابوالفرج

اصفهانی می‌فرستد تا کتاب «الآغانی» را پیش از

انتشار در مشرق، به اسپانیا بفرستد. همچنین، «شرح

قاضی ابوبکر ابهری مالکی» و «مختصر ابن عبدالحکم» نیز به

همین صورت به اسپانیا فرستاده شد. کتاب‌هایی که حکم جمع‌آوری

کرده بود، در خاور و باختری نظیر بود.^{۱۸}

در واقع جمع‌آوری کتاب یکی از خصوصیت‌های مسلمانان

اسپانیا بود. مقری از دستداران کتاب در اسپانیا داستانی را از یک

فاضل در مورد خرید کتابی در بازار قرطبه نقل می‌کند. این شخص

گویا کتاب مورد نیاز خود را با خطی روشن و جلدی زیبا در بازار

استفاده در گرد همایی های ادبی، و حتی در بعضی از موارد اتاق هایی برای نواختن موسیقی، که اتاق ها همه مجلل و راحت بودند، آن ها با فرش و حصیر مفروش شده بودند که مهمانان به سبک شرقی چهار زانو نشسته، به خواندن و نوشتن می پرداختند. ^{۲۱} ماک کاپ می نویسد: «قفسه های کتاب از چوب های خوشبو و دیوارها نیز از مرمر بود. از تمام اطراف جهان به جانب این گنج دانش شتافته و از آن ها استفاده های علمی بسیار می نمودند. ^{۲۲}»

نتیجه گیری

بنا به تحقیقات انجام شده، مشخص شد که مکان های علمی مسلمانان در اسپانیا به دو صورت مراکز عمومی و خصوصی وجود داشته اند. مراکز عمومی بیش تر جنبه مذهبی داشته است، مانند مدرسه ها و دانشگاه هایی که در کنار مساجد بودند و مراکز خصوصی مانند مدرسه های اهدایی اعیان و کتابخانه های شخصی که به احتمال قریب به یقین، بسیار غنی تر از کتابخانه های عمومی بوده اند. اگر کتابخانه های سلطنتی را بتوان در شمار کتابخانه های شخصی به حساب آورد، این حدس قوی تر خواهد شد. درباره دانشگاه ها نیز باید این نکته را متذکر شد که همانند دانشگاه های شرقی، همزمان در اسپانیای اسلامی، رشته های تحصیلی جدا از هم در این دانشگاه ها وجود نداشت، بلکه بیش تر حکیم پروری، به معنای جامع علوم زمان شدن، در این مدرسه ها و دانشگاه ها صورت می گرفت.

کتابفروشی می یابد. در مناقصه ای که برپا می شود، فرد دیگری خواهان کتاب می شود؛ چنان که قیمت کتاب را از حد طبیعی هم بالاتر می برد. چون این فرد عالم از او می پرسد که آیا کتاب را برای مطالعه علمی لازم دارد، خریدار که مردی نظامی بود به او پاسخ می دهد «من دانشمند نیستم و نمی دانم که در این کتاب چه نوشته شده است. ولی کتابخانه ای دارم که از اعیان شهر، عقب نیافتم. در کتابخانه من به قدر همین کتاب جایی خالی است. چون دیدم که خوش خط است و جلدی پاکیزه دارد، خوشم آمد و به قیمت آن اهمیت نمی دهم». ^{۱۹} این داستان روح حاکم بر جامعه مسلمانان اسپانیا را در سبقت گیری برای جمع آوری کتاب نشان می دهد. نفوذ کتاب در بین آن ها، باعث شهرت چندتن از زنان عرب مسلمان آن جا شده است. و الاده زنی بود که به واسطه اشعارش شهرت داشته است. القسانه و حنیفه زن های چکامه سرای سویل بوده اند. زن های دیگری نیز وجود داشته اند که در رشته های گوناگون علوم مهارت داشتند. دخترانی از خانواده های نجیب نیز کتابخانه های بزرگی برای خود ترتیب داده بودند. ^{۲۰}

بدون شک در کتابخانه هایی با این عظمت، باید مکان هایی را برای مطالعه و کارهای علمی آماده می کردند. پینتو شرحی از یک کتابخانه مسلمانان را به این ترتیب آورده است: «کتابخانه دارای اتاق های بسیار جهت مصارف گوناگون بود. اتاق هایی که مهمانان می توانستند در آن ها به خواندن و نوشتن بپردازند. اتاق هایی مخصوص افراد دست اندر کار رونویسی متون، اتاق هایی مورد



- | | | | |
|--|---|---|--|
| زیرنویس | ۵. عطایی، محمد. تابش اسلام در اروپا. قم: چاپخانه علمی قم، ۱۳۹۸ ه. ق، ص ۱۹۹. | ۹. کاپ، ماک. عظمت مسلمین در اسپانیا. ترجمه ابوالقاسم فیضی، اصفهان: کتابفروشی تأئید، ۱۳۲۶، ص ۷۶. | تقی فخرداعی. چاپخانه مجلس. ۱۳۲۰. ص ۵۴۱. |
| ۱. وات، مونتگمری. اسپانیای اسلامی. ترجمه محمد علی طالقانی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران: ۱۳۵۹، ص ۱. | ۶. دکتر محمد داغ، حفظ الرحمن و اویمن، رشید. تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام قرن ۶-۱ هجری. ترجمه علی اصغر کوشا. تبریز: ۱۳۶۹. ص ۱۳۱. | ۱۰. غنیمه، عبدالرحیم. همان. ص ۷۲. | کتابخانه زیر بنای تمدن و علوم اسلامی. قم: چاپخانه مهر، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵. |
| ۲. گوستاولوبون. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۴۷، ص ۳۲۵. | ۷. غنیمه، عبدالرحیم. تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی. ترجمه دکتر نورالله کسایی. تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، صص ۱۶۴-۱۶۳. | ۱۱. فیلیپ، حتی. تاریخ عرب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تبریز: کتابفروشی حقیقت، ۱۳۴۴، ص ۶۷۸. | ۱۴. کاپ، ماک. همان. ص ۱۸۵. |
| ۳. ابن قوطیه. تاریخ فتح اندلس. به تصحیح ابراهیم آبیاری. ترجمه حمیدرضا شیخی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۹، صص ۳۸-۳۷. | ۸. نخستین، مهدی. سرچشمه های اسلامی آموزش و پرورش غرب. ترجمه عبدالله ظهیری. نشر آستان قدس رضوی. ۱۳۶۷. ص ۷۳. | ۱۲. کاپ، ماک. همان، ص ۱۷۱. | ۱۵. عتیقی، بخشایشی. کتاب و کتابخانه زیر بنای تمدن و علوم اسلامی. قم: چاپخانه مهر، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵. |
| ۴. یزدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳، ص ۷۵. | | ۱۳. سیداسید علی. تاریخ عرب و اسلام بین ارتقا و انحطاط دولت اسلام و شرح راجع به ترقی اقتصادی و اجتماعی و علمی مسلمانان. ترجمه سید محمد | ۱۶. همان، ص ۱۲۵. |
| | | ۱۷. کاپ، ماک، ص ۸۵. | ۱۸. آیتی، محمد ابراهیم. آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین. تهران: چاپخانه دانشگاه، ۱۳۴۰. ص ۹۱. |
| | | ۱۹. فیلیپ، حتی، ص ۷۲۱. | ۲۰. کاپ، ماک، ص ۷۱-۱۷۰. |
| | | ۲۱. نخستین، ص ۹۰. | ۲۲. کاپ، ماک، ص ۸۴. |